

باسمه تعالی

رویکردهای میان‌رشته‌ای و طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

حسین میسمی¹

محسن عبدالهی²

مصطفی شهیدی نسب³

مهدی قائمی اصل⁴

چکیده

این تحقیق⁵ الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داده و تناسب آن‌ها را در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع به این سوال پاسخ می‌دهد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به عنوان حوزه ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدامیک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند و ظرفیت هر یک از رویکردهای میان‌رشته‌ای در این رابطه چه میزان است؟ ضمن ارائه دو اصل «ارتباط حداکثری» و «بهره‌برداري حداکثری»، نشان می‌دهد که رویکرد مناسب برای دوره اقتصاد و مالیه اسلامی رویکردی محتوا محور است و از گونه‌های مطرح شده نیز، رویکردهای درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای موازی در شرایط موجود مناسب نبوده و توانایی تامین اصول مطرح شده را ندارند؛ رویکردهای چندرشته‌ای، متقاطع، متکثر و همچنین فرارشته‌ای و پسارشتگی نیز گرچه از دو رویکرد قبلی متناسب‌تر می‌باشند، اما در شرایط موجود استفاده از آن‌ها با توجه به نقاط ضعفی که دارند پیشنهاد نمی‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد ظرفیت و کارایی رویکرد بین‌رشته‌ای از بقیه رویکردها بیشتر بوده و برنامه‌ریز رشته اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند در تدوین برنامه درسی دوره از آن بهره‌برد. به هر حال در عمل می‌توان از رویکرد بین‌رشته‌ای به عنوان رویکرد اصیل و مبنایی بهره‌برد و در کنار آن از نقاط قوت موجود در سایر رویکردها نیز به منظور تقویت برنامه درسی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی-اسلامی، میان‌رشته‌ای، اقتصاد و مالیه اسلامی، آموزش اقتصاد، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. (نویسنده مسئول، تلفن: 021-88426596)؛ meisami@isu.ac.ir
2. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)؛ m.abdolahy@isu.ac.ir
3. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)؛ m.shahidinasab@gmail.com
4. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)؛ ghaemiasl@isu.ac.ir
5. لازم به ذکر است این تحقیق از حمایت‌های مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور برخوردار بوده است.

Interdisciplinary approaches and designing Islamic economics and finance curriculum

HOSSEIN MEISAMI¹

MOHSEN ABDOLAHY²

MOSTAFA SHAHIDINASAB³

MEHDI GAEMI⁴

ABSTRACT

This research analyzes patterns and different interdisciplinary educational programs and takes their propriety with Islamic economics and finance into consideration. Actually, this answers the question that if Islamic economics and finance is going to be held as an interdisciplinary field in the Islamic humanities, which of the main interdisciplinary approaches should be adopted and how much is the potentiality of every interdisciplinary approach herein? Presenting principles “maximum integration” and “maximum usage”, the research shows that proper approach toward Islamic economics and finance is content-based integration and among different approaches, intra-disciplinary and parallel interdisciplinary approaches can't secure the principles. Although multi-disciplinary, cross-disciplinary, pluri-disciplinary, trans-disciplinary and post-disciplinary approaches are more appropriate than two previous ones, but in current condition, because of their shortcomings, usage of them is not suggested. Finally, it seems that potentiality and efficiency of Interdisciplinary approach is more than the others. Hence, planner of Islamic economics and finance can utilize this in designing the relevant curriculum. However, in practice, Interdisciplinary approach can be taken as basic and principal approach and simultaneously, advantages of other approaches can be used to strength educational program.

Keywords: *Islamic humanities, Interdisciplinary approaches, Islamic economics and finance, Teaching economics, Iran.*

¹. PH.D. Student of Islamic Studies & Economics, Islamic Studies & Economics Faculty, Imam Sadiq University (I.S.U.), Tehran, Iran. and Researcher of the Islamic banking division, The monetary and banking research academy(MBRA), The central bank of the Islamic republic of Iran; meisami@isu.ac.ir.

². M.A. Student of Islamic Studies & Financial Management, Islamic Studies & Financial Management Faculty, Imam Sadiq University (I.S.U.), Tehran, Iran; m.abdolahy@isu.ac.ir.

³. M.A. Student of Islamic Studies & Financial Management, Islamic Studies & Financial Management Faculty, Imam Sadiq University (I.S.U.), Tehran, Iran; m.shahidinasab@gmail.com.

⁴. M.A. Student of Islamic Studies & Economics, Islamic Studies & Economics Faculty, Imam Sadiq University (I.S.U.), Tehran, Iran; GHAEMIASL@isu.ac.ir.

1- مقدمه

نظام آموزش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی به طور عام و در رشته اقتصاد به طور خاص وظیفه تربیت پژوهشگران و اقتصاددانان را بر عهده داشته و در عین حال از نتیجه عملکرد آن‌ها به منظور تقویت خود بهره می‌برد و هر چه این نظام قوی‌تر باشد، تولید علم، نظریه پردازی، بسط نظری و بومی سازی سریعتر اتفاق می‌افتد (درخشان، 1381: ص 3). از طرفی بدیهی است که یکی از راه‌های توسعه هر رشته‌ای از دانش در علوم انسانی-اسلامی، بررسی آموزش‌هایی است که در آن حوزه انجام می‌شود. اقتصاد و مالیه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست فلذا نمی‌توان به توسعه این رشته امید داشت، و در عین حال به آموزش‌های مورد نیاز در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد و مالیه اسلامی بی‌توجه بود. از این رو بررسی نظام آموزش علم اقتصاد، به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای توسعه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مطرح می‌باشد. اما ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در ساختار فعلی رشته اقتصاد دروس اقتصاد متعارف بدون هیچ تغییر اساسی و با ترجمه کتب متعارف اقتصاد آموزش داده می‌شود و مباحث مرتبط با اقتصاد و مالیه اسلامی در قالب چند واحد درسی محدود و به طور کاملاً مستقل از دروس متعارف به واحدهای درسی دانشجویان اضافه گردیده است (صدر، 1382، ص 2-8).

تجربه سه دهه اخیر در حوزه آموزش اقتصاد در ایران نشان می‌دهد که این رویکرد در حوزه آموزش اقتصاد با مشکلاتی جدی مواجه شده است (پوریزدان‌پرست، 1383: صص 25-27؛ دادگر، 1384: صص 1-5؛ کریمی، 1383: صص 2-6). در واقع این رویکرد ترجمه محور، نتوانسته است دانشجویانی متفکر، خلاق و نقاد تربیت کند؛ به نحوی که بتوانند آموزه‌های علم اقتصاد را با توجه به مبانی اسلامی نقد کرده، در جهت بومی و اسلامی سازی آن حرکت کنند. از این رو باید اذعان نمود که نظام فعلی آموزش اقتصاد در ایران، توانایی آن را ندارد که ضمن ارائه مباحث از دیدگاه متعارف و اسلامی، در ذهن دانشجویان (در حوزه اقتصاد اسلامی) طرح سوال کرده، زمینه انجام تحقیق در این حوزه را فراهم آورد فلذا اصلاح برنامه درسی رشته اقتصاد، و همچنین سایر رشته‌های علوم انسانی ضروری به نظر می‌رسد¹. اما موضوع برنامه درسی و نحوه اصلاح و تقویت آن موضوعی تخصصی می‌باشد که در رشته علوم تربیتی مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین به منظور اصلاح برنامه درسی رشته اقتصاد از دیدگاه اسلامی به ناچار باید به ادبیات رشته علوم تربیتی مراجعه کرد.

1. در رابطه با اصلاح وضع موجود نظام آموزش علوم انسانی-اسلامی و ضرورت آن، می‌توان به فرم‌ایشات رهبر معظم انقلاب مراجعه کرد. ایشان اهمیت این موضوع را در مناسبتهای مختلف و به طرق گوناگون مطرح ساخته‌اند. خواننده می‌تواند به منظور دریافت متن برخی از فرمایشات ایشان در این زمینه به سایت www.khamenei.ir مراجعه کرده و سخنرانی‌های ایشان در مناسبتهای ذیل را دریافت کند: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر (1379/12/9)، در دیدار اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور (1382/8/8)، در دیدار اعضای هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (1383/4/1)، در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها (1383/10/17)، در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (1384/10/29)، در دیدار اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (1385/11/2)، و در دیدار اساتید دانشگاه (1388/6/8).

جستاری در ادبیات مذکور نشان می‌دهد در چند دهه اخیر مباحثی تحت عنوان «رویکردهای میان‌رشته‌ای» مطرح شده‌اند و به دلیل آنکه علوم انسانی-اسلامی و به طور خاص اقتصاد و مالیه اسلامی بر اساس تعریف، گفتمانی بین دو حوزه تعالیم اسلامی و مباحث اقتصادی است، فلذا به نظر می‌رسد رویکردهای مذکور تناسب و ظرفیت مناسبی برای اصلاح سر فصل‌های علوم انسانی از دیدگاه اسلامی در اختیار دارند که لازم است به آن‌ها توجه شود. به عبارت دیگر برنامه‌ریز درسی در این حوزه لازم است ضمن آشنایی با ادبیات میان‌رشته‌ای و شناخت انواع و گونه‌های مختلفی که در این حوزه مطرح می‌شوند، رویکرد بهینه و کارایی را برای اصلاح سر فصل‌های دروس متعارف انتخاب کرده و در جهت ایجاد رشته‌هایی اسلامی در علوم انسانی، از جمله «رشته اقتصاد و مالیه اسلامی» حرکت کند.

این مقاله الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داده و همچنین میزان تناسب آن‌ها را در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به عنوان یک رشته جدید در نظام آموزش دانشگاهی ایران مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع ضمن تبیین رویکردهای میان‌رشته‌ای به این سوالات مهم پاسخ می‌دهد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدامیک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند؟ توانایی و ظرفیت هر یک از رویکردها در این زمینه چقدر است؟ و کدامیک از رویکردها در این حوزه قابلیت استفاده نداشته و یا استفاده از آن‌ها در شرایط موجود توصیه نمی‌شود؟ شاخص تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟ به عبارت دیگر، برنامه‌ریز این رشته بر چه اساس می‌تواند به تحلیل میزان مناسبیت این رویکردها پرداخته و در بین رویکردهای مطرح شده دست به انتخاب بزند؟ و به طور مشخص، چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی برای تبیین تناسب رویکرد مطرح شده برای رشته اقتصاد و مالیه اسلامی و همچنین انتخاب بهترین مورد در میان رویکردهای مطرح شده وجود دارد؟

ساختار مقاله بدین صورت است که پس از این مقدمه، سابقه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نوآوری مقاله تبیین می‌شود. پس از آن معیارها و شاخص‌های ارزیابی رویکردهای میان‌رشته‌ای بیان می‌شود. در بخش بعد انواع رویکردهای میان‌رشته‌ای بیان شده و نقاط قوت و ضعف آن‌ها و همچنین میزان مناسبیت آن‌ها در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی بررسی می‌شود. بخش آخر مقاله نیز از مطالب نتیجه‌گیری کرده و توصیه‌هایی برای تحقیقات آینده در این حوزه ارائه می‌دهد.

2- بررسی سابقه تحقیق

بررسی ادبیات میان‌رشته‌ای و کاربرد آن در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد در این حوزه تحقیقات زیادی انجام نشده است و مقالات و کتب محدودی نیز که در این حوزه نوشته شده‌اند، بیشتر در کلیات روش میان‌رشته‌ای متوقف گردیده‌اند و کاربرد مباحث در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد و مالیه اسلامی را مطرح نکرده‌اند. به هر حال در ذیل به برخی از معدود مقالاتی که در حوزه میان‌رشته‌ای در اقتصاد و مالیه اسلامی تدوین شده‌اند اشاره می‌شود.

پیغامی ضمن معرفی برخی رهیافت‌های میان‌رشته‌ای و با طراحی نمونه‌هایی خاص، امکان عملی استفاده از رهیافت‌های تلفیقی در برنامه‌های درسی و گرایش‌های مقاطع تکمیلی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی را نشان می‌دهد. در این مقاله پس از بیان هر یک از رویکردهای میان‌رشته‌ای مثال‌هایی خاص از کاربرد هر رویکرد در اقتصاد و مالیه

اسلامی ارائه می‌شود (پیغامی، 1387). میسمی و عیوضلو نیز ضمن بررسی مبانی نظری و فلسفی، دو دیدگاه حداقلی و حداکثری به اقتصاد و مالیه اسلامی را مورد بحث قرار داده و نشان می‌دهند، وضع موجود در حوزه آموزش اقتصاد و محدود ساختن اقتصاد و مالیه اسلامی به چند واحد درسی محدود، حاصل اتخاذ دیدگاهی حداقلی به اقتصاد و مالیه اسلامی است و اگر بخواهیم از دیدگاهی حداکثری در این زمینه بهره ببریم، ناچار به استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای می‌باشیم (میسمی و عیوضلو، 1388).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ادبیات مختصر موجود ظاهراً بحثی در رابطه با میزان توانایی هر یک از رویکردها به منظور استفاده در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی انجام نشده است. همچنین کشف رویکرد بهینه در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی نیز در مرکز توجه تحقیقات نبوده است فلذا از این جهت نیز مقاله دارای نوآوری و ارزش افزوده می‌باشد.

3- معیارهای کشف رویکرد بهینه در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

پیش از آنکه به ارزیابی انواع رویکردهای میان‌رشته‌ای، بررسی نقاط قوت و ضعف آن‌ها، تبیین میزان تناسب آن‌ها در اصلاح سر فصل‌های رشته اقتصاد از دیدگاه اسلامی و در نهایت کشف رویکرد میان‌رشته‌ای بهینه در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی پردازیم، لازم است ابتدا به این سوال مهم پاسخ دهیم که ابزار تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟ به عبارت دیگر، برنامه‌ریز این رشته بر چه اساس می‌تواند به تحلیل میزان تناسب این رویکردها پرداخته و در بین رویکردهای مطرح شده دست به انتخاب رویکرد بهینه نیندازد؟ شاخص‌های مورد استفاده کدامند؟ گرچه می‌توان معیارها و شاخص‌های گوناگونی را در این رابطه ارائه داد، اما در این قسمت به ارایه سه مورد از مهمترین «معیارهای انتخاب» بسنده می‌شود. در ذیل به توضیح این معیارها می‌پردازیم.

3-1- اصل ارتباط حداکثری

این اصل به این معناست که لازم است رویکردی که برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی بر اساس آن تدوین می‌شود، رویکردی باشد که حداکثر ارتباط و تلفیق را (به لحاظ کیفیت) با توجه به شرایط، امکانات و چالش‌های موجود، بین دو حوزه معرفتی معارف اسلامی و اقتصاد متعارف ایجاد کند. در توضیح بیشتر می‌توان گفت بررسی برنامه موجود رشته اقتصاد در ایران (همان‌طور که در فصل دوم مشخص گردید) نشان می‌دهد که در این برنامه ارتباطی حداقلی بین تعالیم اسلامی و علم اقتصاد متعارف برقرار می‌باشد. در واقع تحقیقات نشان می‌دهد که در این برنامه میزان تجلی و ارائه مباحث اسلامی در برنامه درسی رشته اقتصاد به چند درس خاص محدود شده و همین دروس محدود نیز در موارد متعدد مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد (میسمی و عیوضلو، 1388، صص 2-5؛ پوریزدان پرست، 1383، صص 25-27؛ دادگر، 1384، صص 1-5؛ کریمی، 1383، صص 2-6). بنابراین یکی از معیارهای اصلی انتخاب رویکرد تلفیقی بهینه در طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی باید این باشد که رویکرد مطلوب حداکثر ارتباط کیفی را بین تعالیم اسلامی و اقتصادی فراهم آورد. به عبارت دیگر لازم است سرفصل‌های اقتصادی موجود از دیدگاه اسلامی تعدیل و

اصلاح شوند و یا سرفصل‌هایی جدید پیشنهاد گردد؛ اما در هر دو مورد باید کیفیت ارتباط در سطح مناسبی باشد و از ایجاد ارتباطات سطحی و روبنایی خودداری شود.¹

3-2- اصل اصلاح حداکثری

اصل اصلاح حداکثری بدین معناست که لازم است رویکرد مطلوب برای اصلاح برنامه‌درسی رشته اقتصاد، توانایی آن را داشته باشد که حداکثر اصلاحات ممکن را (به لحاظ کتبی) در برنامه درسی رشته اقتصاد در جهت وارد نمودن تعالیم اسلامی در آن اعمال کند. به عبارت دیگر، رویکرد مطلوب آن است که بتواند حجم بیشتری از سرفصل‌های مطرح شده در دروس مختلف رشته اقتصاد را از دیدگاه اسلامی مورد اصلاح قرار دهد و یا اینکه سرفصل‌های جدید بیشتری را ارائه کند.

3-3- اصل بهره‌برداری حداکثری

این اصل به این معناست که لازم است رویکرد مطلوب برای اصلاح برنامه درسی موجود رشته اقتصاد و یا تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی، توانایی آن را داشته باشد که حداکثر بهره‌برداری و استفاده را از پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در حوزه اقتصاد اسلامی انجام دهد. دلیل این امر آن است که در سه دهه اخیر و با آشکار شدن شکست‌ها و نقاط ضعف قابل توجه در مکاتب فکری سوسیالیسم و سرمایه‌داری، برخی جریان‌های فکری در سطح بین‌المللی به سمت نقدگفتمان غالب و در نتیجه ایجاد نخله‌های جدید و رقیب متمایل گردیدند و این باعث شد مکاتب فکری دگراندیش (مانند جریان‌های اقتصاد هترودوکس²) در حوزه اقتصاد و همچنین سایر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به مرور زمان به رشد قابل توجهی دست یابند. اقتصاد اسلامی نیز یکی از جریان‌های می باشد که در دوره اخیر رشد چشمگیری در فضای علمی ایران و

1. لازم به ذکر است اصل حداکثر ارتباط کیفی بین سرفصل‌های متعارف رشته اقتصاد و معارف اسلامی مرتبط، تنها کنار هم قرار دادن مباحث اسلامی و متعارف نیست. بلکه منظور آن است که در موضوعات مختلف دروس رشته اقتصاد، ارتباطی وثیقی بین مباحث اسلامی و متعارف ایجاد گردد که این خود می‌تواند به اصلاح سرفصل‌های موجود و یا طرح سرفصل‌های جدید بیانجامد. واضح است که ماهیت و نوع ارتباط کیفی در دروس مختلف متفاوت است. مثلاً در درس اقتصاد خرد با توجه به صبغه فلسفی و روش‌شناسی اختی مباحث (مثلاً تعریف انسان، اهداف اقتصادی انسان، اصل محدودیت منابع و غیره)، ارتباط کیفی که در این اصل مطرح می‌شود، بیشتر رنگ و بوی فلسفی دارد و تلفیق در این زمینه با استفاده از فلسفه اسلامی (به عنوان یکی از حوزه‌های معارف اسلامی) انجام می‌شود. اما مثلاً در درس اقتصاد کلان و در نظریات مصرف، اصل حرمت اسراف و تبذیر در فقه اقتصاد به منظور نقد و تعدیل فروض مطرح شده در نظریات متعارف مصرف، تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر تلفیق در این زمینه با استفاده از فقه اسلامی (به عنوان یکی از حوزه‌های معارف اسلامی) انجام می‌شود. در سایر دروس رشته اقتصاد مثلاً اقتصاد توسعه و یا بخش عمومی نیز رویه به همین منوال است.

2. Heterodox

جهان داشته است. به طور مثال در حوزه چاپ کتاب، بررسی منابع فارسی نشان می‌دهد که در حال حاضر در حدود 1250 کتاب در حوزه اقتصاد اسلامی نوشته شده است¹. در سطح بین‌المللی نیز آمار کتب تدوین شده به زبان‌های عربی و انگلیسی از این رقم به مراتب بیشتر است².

یکی از دیگر از محمل‌های تولید علم در هر حوزه‌ای از دانش، کمیت و کیفیت نشریات علمی‌ای است که در آن حوزه مشغول به کار هستند. بررسی دقیق نشان می‌دهد که به لحاظ این مولفه نیز دانش اقتصاد اسلامی در وضعیت مناسبی قرار دارد. در حال حاضر و در داخل کشور، حداقل دو نشریه فارسی زبان به طور تخصصی در حوزه اقتصاد اسلامی فعال هستند³ و برخی نشریات نیز مباحث مرتبط با اقتصاد اسلامی را در اولویت‌های کاری خود قرار داده‌اند⁴. در سطح بین‌المللی نیز چندین نشریه به طور تخصصی در این حوزه مشغول به کار هستند و برخی تحقیقات نشان می‌دهد که در حال حاضر حداقل شش نشریه به طور مستقیم در حوزه اقتصاد اسلامی مقاله چاپ می‌کنند و در حدود بیست نشریه علمی نیز به طور غیر مستقیم (نریم⁵، 2004، صص 14-21). علاوه بر کتب و نشریات علمی، همایش‌ها و نشست‌های متعددی نیز در رابطه با اقتصاد اسلامی در ایران و سایر کشورها برگزار گردیده است که همراه پایان نامه‌های تدوین شده در این حوزه، همگی می‌توانند در صورت یافتن انسجام منطقی، دسته‌بندی و حذف مطالب نامناسب و تکراری به عنوان منابعی غنی برای اصلاح برنامه فعلی رشته اقتصاد و یا تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی به کار روند.

محور دیگر برای ارائه یک دوره آموزشی میان رشته‌ای مسئله استاد است. بررسی نشان می‌دهد که در حال حاضر در زمینه استاد نیز خلا شدید وجود ندارد⁶. مثلاً در حال حاضر بیش از 100 استاد اقتصاد

1. این عدد از طریق جستجوی عبارت «اقتصاد اسلامی» در فهرست کتب فارسی موجود در سایت کتابخانه ملی ایران به آدرس www.nlai.ir بدست آمده است. تاریخ مراجعه به سایت: 1389/4/29.

2. به عنوان نمونه موسسه تحقیق و آموزش اسلامی (IRTI) در عربستان که تنها یکی از موسسات فعال در حوزه چاپ کتاب در اقتصاد و مالیه اسلامی در سطح بین‌المللی است، تا کنون به تنهایی در حدود 400 عنوان کتاب را منتشر ساخته است. لازم به ذکر است اکثر این کتاب به صورت تمام متن و رایگان در سایت این موسسه قرار گرفته است. www.IRTI.org

3. منظور نشریه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی از انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) می‌باشد. خواننده برای دریافت اطلاعات بیشتر می‌تواند به سایت این نشریات مراجعه کند www.magazines.ijct.ir/eghtesad و www.rcu.isu.ac.ir

4. مثلاً نشریه جستارهای اقتصادی مباحث اقتصاد و مالیه اسلامی را در اولویت‌های خود قرار داده است www.rihu.ac.ir.

5. Nazim

6. لازم است خواننده به این نکته توجه کند که عدم وجود خلا هرگز به معنی کافی بودن نیست. بلکه منظور آن است که حداقل لازم برای ارائه دوره فراهم است؛ گرچه هنوز نیاز به طور کامل مرتفع نشده است.

عضو انجمن اقتصاد اسلامي ايران بوده، در اين زمينه تحقيقاتي انجام داده و به اين حوزه علاقه مند هستند¹. برنامه ريز نظام آموزش اقتصاد اسلامي مي تواند با تدوين دوره هاي مشخص (به عنوان نمونه دوره هاي دانش افزايي) براي اين اساتيد علاقه مند، زمينه را براي ارائه صحيح برنامه درسي اقتصاد اسلامي فراهم آورد.

4- دسته بندي هاي موجود در ادبيات تلفيقي و کاربرد آن در اقتصاد اسلامي

بررسي ادبيات ميانه رشته اي نشان مي دهد كه با توجه به تداوم رشد و روند گسترش ميانه رشته گي در ساختارهاي مختلف علمي و اجتماعي، اين گفتمان هم اكنون از گونه هاي مختلف و انواع متفاوتي از ساختارها برخوردار است (خورسندي، 1387، ص 67). در اين قسمت از تحقيق، به ارائه رويكردهاي ميانه رشته اي مختلف و بحث در مورد آنها مي پردازيم. در رابطه با هر رويكرد ضمن معرفي اجمالي آن، نقاط قوت و ضعف را (در صورت امكان و ضرورت) مشخص کرده و در نهايت با استفاده از مولفه هاي بدست آمده از بخش قبل، ميزان تناسب آن در تدوين برنامه درسي رشته اقتصاد و ماليه اسلامي را مورد بحث قرار مي دهيم.

به نظر مي رسد مي توان بخش عمده اي از رويكردهاي ميانه رشته اي را در قالب نمودار شماره يك كه مي توان اسم آن را «هرم تلفيق و ميانه رشته گي» نهاد، جاي داد². هرم تلفيق شامل سطوح و گونه هاي مختلف ميانه رشته گي گرديده و به نظر مي رسد نسبت به تقسيم بندي هاي موجود در ادبيات (خورسندي، 1387، صص 67-101؛ پيغمي، 1387، صص 5-7؛ فوگارتي³، 1991، صص 10-18؛ قورچيان، 1374، صص 12-18) وسعت و قوت بيشتري داشته باشد. به عبارت ديگر گونه هاي بيشتري و جديدتري از ميانه رشته اي را در خود جاي داده است فلذا از اين جهت نيز تحقيق حاضر داراي نوآوري مي باشد.

همان طور كه در نمودار شماره يك ديده مي شود الگوها و انواع مختلف برنامه درسي تلفيقي را مي توان حداقل در دو سطح كلي تقسيم بندي كرد و هر يك از اين سطوح نيز به زيرسطح ها و زيربخش هايي تقسيم مي شود. سطح اول تقسيم بندي بر اساس محور تلفيق مي باشد. در اين سطح تمامي رويكردهاي تلفيقي را مي توان به سه دسته اصلي «محتوا محور»⁴، «مهارت محور»⁵ و «فراگير محور»⁶ تقسيم كرد.

سطح دوم تقسيم بندي بر اساس نحوه ارتباط رشته ها در برنامه درسي تلفيقي است. اين سطح از تقسيم بندي كه خود زير مجموعه اي از سطح اول است داراي زير بخش هايي نيز مي باشد. در اين سطح به انحصار عقلي، مي توان تمامي رويكردهاي محتوا محور را به دو دسته رشته اي و يا درون رشته اي⁷ (محدود به مرزهاي يك رشته) و برون رشته اي⁸ (غير

1. به منظور دريافت اطلاعات بيشتري در اين زمينه، مي توان به سايت انجمن اقتصاد اسلامي ايران به آدرس www.ieai.ir مراجعه كرد.

2. لازم به ذكر است در ادبيات تلفيقي اختلافاتي بين صاحب نظران مشاهده مي گردد و تعريف واحدی از رويكردهاي مطرح شده وجود ندارد. بنا بر اين تعاريفي كه در اين مقاله ارائه مي گردد تعاريف منتخب نويسنده است.

3. Fogarty

4. Content-based integration

5. Training-based integration

6. Student-based integration

7. Disciplinary Approach (Intra-Disciplinary Approach)

8. Non-Disciplinary Approach (Inter-Disciplinary Approach)

محدود به مرزهای يك رشته) تقسیم‌بندی کرد. رویکرد درون‌رشته‌ای نیز به سه دسته تفکیک شده¹، ارتباطی²، و تو در تو³ قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. می‌توان رویکردهای برون‌رشته‌ای را نیز به دو گروه تقسیم‌بندی کرد. در گروه اول، ریشه‌ی محوری که انسجام بخش فرآیند تلفیق است، وجود دارد و در دومی چنین محوری متصور نیست. رویکردهایی که جزء گروه اول قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: رویکرد موازی⁴، بین‌رشته‌ای⁵، چندرشته‌ای⁶، متقاطع⁷ و متکثر⁸. گروه دوم نیز حداقل شامل سه رویکرد می‌گردد که عبارت‌اند از: فرارشتگی⁹، متارشتگی¹⁰ و پسارشتگی¹¹. در ادامه به توضیح این سطوح و رویکردها می‌پردازیم.¹² لازم به ذکر است که همان‌طور که فلش‌های قرار گرفته در سمت چپ و پایین نمودار نشان می‌دهند، هر چه که از بالای هرم به پایین هرم حرکت می‌کنیم، از تقسیم‌بندی‌های کلی رویکردهای میان‌رشته‌ای به تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر منتقل می‌شویم و در پایین هرم نیز هر چه که از سمت راست به سمت چپ حرکت می‌کنیم، غلظت و سطوح تلفیق افزایش می‌یابد.

4-1-1- سطح اول تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای: تقسیم بر اساس محور تلفیق

همان‌طور که گفتیم سطح اول تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای دارای سه بخش می‌باشد. در ذیل به معرفی و توضیح این سه بخش پرداخته و بعد از آن مناسب‌ترین رویکرد در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی را مشخص می‌کنیم.

4-1-1-1- تلفیق مهارت محور

این نوع از تلفیق در برنامه درسی هدفش ایجاد مهارت‌های مشخص در یادگیرندگان در جهت فراگیری مهارت‌های تفکر همراه با کاربرد وسیع آنها در موضوعات درسی است؛ تا در نتیجه توانایی درک موقعیت‌ها و نهایتاً حل مسأله را کسب کنند. در این رویکرد، یادگیرنده به کارگیری مهارت‌ها را در انواع زمینه‌های آموزشی یاد می‌گیرد و در نهایت، انتقال، کاربرد و تعمیم آموخته‌ها را در هر يك از موضوعات درسی و هم چنین در زندگی واقعی می‌آموزد (هاشمیان، 1382، ص 11؛ خورسندی، 1387، ص 257).

4-1-1-2- تلفیق محتوا محور

1. fragmented
2. Connected
3. Nested
4. Parallel
5. Interdisciplinary
6. Multi-Disciplinary
7. Cross-Disciplinary
8. Pluri-Disciplinary
9. Trans-disciplinary
10. Meta-disciplinary
11. Post-disciplinary

12. لازم به ذکر است که با دقت بیشتر می‌توان زیر سطح‌های دیگری را نیز کشف کرد که بیان آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است.

تلفیق محتوا محور بر تلفیق محتوای درسی بین دو و یا چند رشته دلالت دارد . این شکل از برنامه درسی درصدد تلفیق موضوعات، مباحث و دانش های موجود در حول يك مسأله و موضوع اصلي است . هدف اصلي این شکل از تلفیق، ارائه موضوعات درسی از دیدگاه های مختلف و دستیابی فراگیران به دانش، بینش و بصیرت های جامع و بالایی فردی و اجتماعی و تحقق سطوح بالایی یادگیری به ویژه تحلیل و ترکیب است (خورسندی، 1387، ص 255).

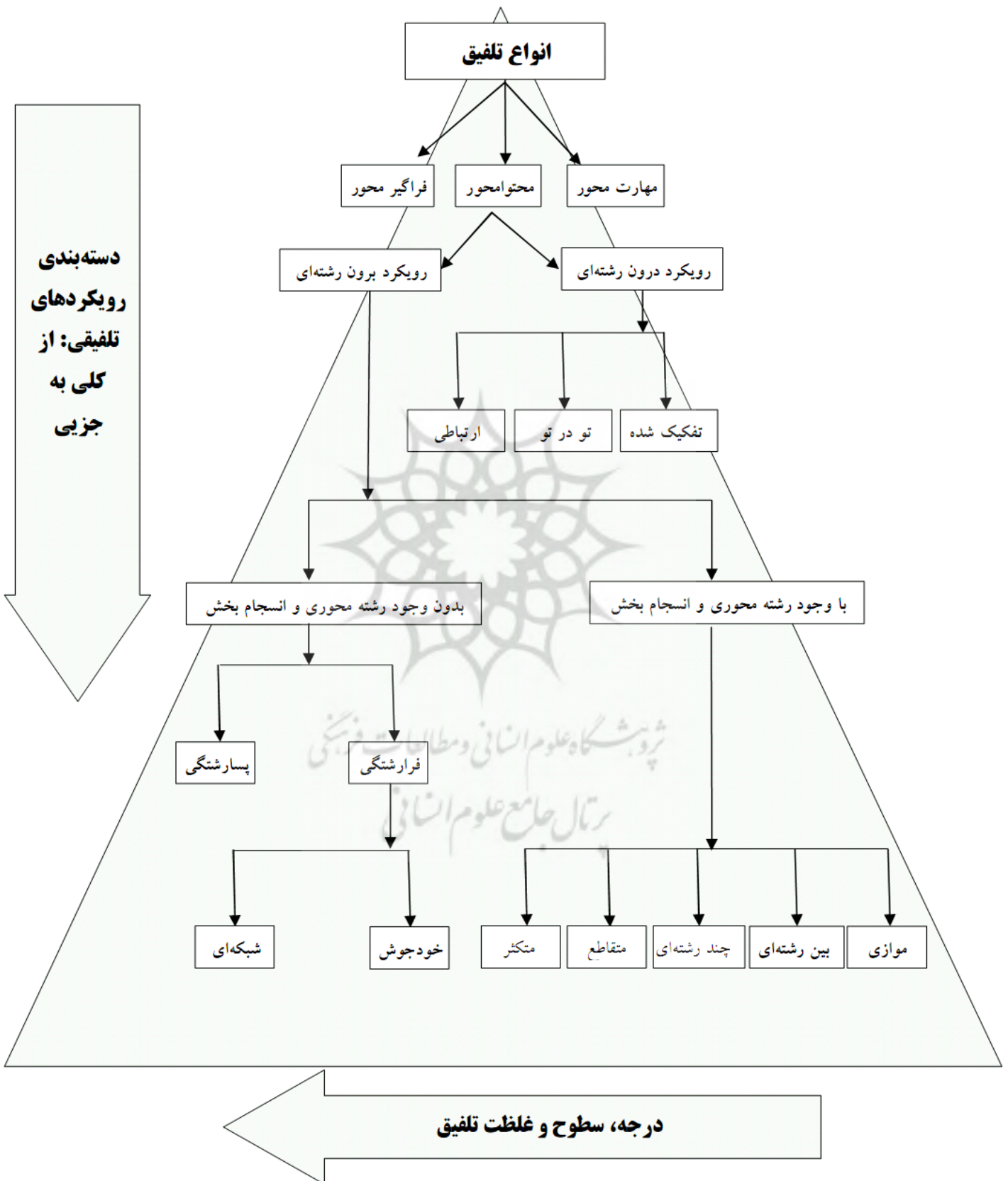
3-1-4- تلفیق فراگیر محور

تلفیق فراگیر محور در برنامه درسی، در معنی گسترده و سطح کلان آن، تلفیق میان شناخت ها، برداشت ها و تجرب میان آموزگاران، فراگیران و کنشگران اصلي فرآیند آموزش و یادگیری، مانند مدیریت آموزشی و جامعه محلی است. در این روند، کنشگران با ایجاد شبکه های ارتباطی فراگیر محور، به طرح مسأله می پردازند و با گسترش آن و با استفاده از تخصص های مختلف به کنکاش



نمودار شماره (۱):

هرم تلفیق در برنامه درسی؛ سطوح و گونه‌های تلفیق و میان‌رشته‌گی



مسأله و اکتشاف می‌رسند. برنامه درسی تلفیقی فراگیر محور تمرکز خود را بر فراگیر قرار داده و از ایجاد برنامه درسی تلفیقی فراتر می‌رود. در واقع بر روی ایجاد خودراهبری، خود سامان‌دهی، خود یادگیری و خود تلفیقی در فراگیران تمرکز می‌کند (هینز¹، 2002، ص 18).

* مناسبت در برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

پس از مرور سطح اول تقسیم رویکردهای میان‌رشته‌ای، سوالی که با توجه به هدف مقاله مطرح می‌شود آن است که در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از کدام یک از سه نوع مطرح شده باید استفاده کرد؟ به نظر می‌رسد رویکرد بینه‌ای که برنامه‌ریز رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در تدوین برنامه درسی این رشته باید اتخاذ کند، حداقل در مراحل اولیه آن رویکردی محتوا محور است. دلیل این امر آن است که اصلاح محتوای دروس رشته اقتصاد و وارد کردن تعالیم اسلامی در سرفصل‌ها در کنار مباحث متعارف رشته اقتصاد، که قطعاً یکی از اهداف اصلی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی است، فقط در سایه تلفیق محتوا محور اتفاق می‌افتد. همچنین اتخاذ رویکرد محتوا محور ما را به تأمین اصول مطرح شده در بخش قبل، یعنی ایجاد ارتباط کمی و کیفی حداکثری بین مباحث متعارف اقتصاد و معارف اسلامی و همچنین بهره‌برداری حداکثری از منابع موجود اقتصاد و مالیه اسلامی نزدیک‌تر می‌کند. البته نباید از این نکته نیز غافل بود که تلفیق فراگیر محور و مهارت محور نیز نقاط مثبتی دارند که لازم است در مراحل بعدی ورود تعالیم اسلامی در آموزش رشته اقتصاد مورد استفاده قرار گیرند.

4-2- سطح دوم تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای: تقسیم بر اساس نحوه ارتباط رشته‌ها در برنامه

درسی تلفیقی

در سطح دوم تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای، می‌توان تمامی رویکردهای محتوا محور را به دو گروه درون‌رشته‌ای (محدود به مرزهای یک رشته) و برون‌رشته‌ای (غیر محدود به مرزهای یک رشته) تقسیم کرد که هر یک از آنها شامل چند رویکرد می‌گردد. در ذیل به معرفی و توضیح تمامی این رویکردها پرداخته و ضمن بیان نقاط قوت و ضعف آنها، میزان قابلیت این رویکردها به منظور استفاده در طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد.

4-2-1- رویکرد تلفیقی درون‌رشته‌ای

رویکرد تلفیقی درون‌رشته‌ای فرایندی است که در آن فعالیت میان‌رشته‌ای و مقوله تلفیق در درون یک رشته خاص صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر درون‌رشته‌ای به تلاش‌ها و فعالیت‌های تلفیقی ویژه برای به کارگیری همزمان دانش، مفاهیم و روش‌های موجود در یک رشته دانشگاهی و یا حوزه علمی، برای شناخت و یا حل یک مسأله و یا موضوع مشخص در آن رشته یا حوزه علمی اطلاق می‌شود (آبوت²، 2006، ص 17). فعالیت‌های درون‌رشته‌ای به لحاظ ساختاری با سایر گونه‌های میان‌رشته‌ای متفاوت است و نقطه تلاقی و مشترک میان آنها، مقوله «تلفیق» است.

1. Haynes
2. Abbott

همچنین این رویکرد دارای گونه‌هایی نیز می‌باشد؛ مانند تفکیک شده¹، ارتباطی² و تو در تو³ (خورسندی، 1387، ص 67 و صص 264-267)⁴.

* تناسب رویکرد درون‌رشته‌ای در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

با توجه به اینکه برنامه درسی اقتصاد و مالیه اسلامی تلاش دارد تا بین دو حوزه معرفتی مجزا یعنی علم اقتصاد متعارف از یک سو و تعالیم اسلامی در حوزه‌هایی چون فقه، تفسیر، فلسفه، کلام و غیره پیوند ایجاد کند، لذا رویکرد متناسب با آن رویکردی بین‌رشته‌ای می‌باشد و نه درون‌رشته‌ای. به طور مشخص‌تر، رویکرد درون‌رشته‌ای توانایی تأمین اصول ارزیابی تناسب رویکردهای میان‌رشته‌ای، یعنی اصل ایجاد ارتباط حداکثری، اصل اصلاح حداکثری و همچنین اصل بهره‌برداری حداکثری از تحقیقات اقتصاد و مالیه اسلامی را ندارد؛ فلذا رویکرد درون‌رشته‌ای نمی‌تواند به عنوان مبنای مناسب برای ارائه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مطرح باشد⁵.

4-2-2- برنامه‌ریزی تلفیقی موازی

رویکرد تلفیقی میان‌رشته‌ای موازی⁶ که از آن به «جمع جبری» رشته‌ها نیز می‌توان یاد کرد، روشی است که در آن هر یک از رشته‌ها، مفاهیم، ساختارها، اصول، مبادی و روش‌های خود و همچنین ترتیب ارائه آن‌ها را بطور کامل حفظ کرده و در عمل تنها شاهد استفاده م‌وازی از مفاهیم و چارچوب‌های روش‌شناختی دو یا چند رشته، منطبق بر نظم منطقی هر رشته، بر روی موضوعی واحد هستیم (قورچیان، 1378، صص 24-30). نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در برنامه درسی مراکز بین‌المللی نیز مشاهده کرد. مثلاً رشته‌های «فلسفه و اقتصاد»، «حقوق و اقتصاد» و «فلسفه، سیاست و اقتصاد» در بیش از یکصد مرکز دانشگاهی معتبر دنیا از جمله دانشگاه آکسفورد قابل ردیابی است (پیغامی، 1387، ص 17). در داخل کشور نیز دانشگاه امام صادق (ع) می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موفق از اجرای برنامه درسی میان‌رشته‌ای موازی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله اقتصاد و تحت عناوینی چون «رشته معارف اسلامی و اقتصاد» مطرح باشد⁷.

* نقاط قوت و ضعف

1. Fragmented
2. Connected
3. Nested

4. به دلیل عدم تناسبات رویکرد درون‌رشته‌ای در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از توضیح گونه‌های مطرح در داخل این رویکرد و یا تبیین نقاط قوت و ضعف آن خودداری شده است. خواننده می‌تواند مباحث تکمیلی را در منابع مرتبط جستجو کند (خورسندی، 1387، صص 68-70).

5. لازم به ذکر است که کاربرد رویکرد درون‌رشته‌ای در رشته اقتصاد می‌تواند مثلاً بدین صورت باشد که از مباحث اقتصاد خرد در تحلیل‌های اقتصاد کلان استفاده کرد.

6. Parallel

7. به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر، خواننده می‌تواند به سایت دانشگاه امام صادق (ع) به آدرس ذیل مراجعه کند. WWW.ISU.AC.IR

اصلي ترين ويژگي برنامه موازي سادگ ي آن مي باشد. چرا که برنامه ريزي، مديريت، اجرا و ارزيابي دوره هاي ميان رشته اي موازي آسان است. همچنين مديران، برنامه ريزان و اساتيد خود برآمده از نظام هاي رشته اي هستند فلذا کمتر با رويکرد ميان رشته اي موازي مشکل پيدا مي کنند. در مقابل مهمترين مشکل اين رويکرد آن است که در اين روش ارتباط عميق و موثر بين رشته ها، براي رسيدن به اهداف برنامه درسي ايجاد نمي شود. همچنين در اين رويکرد م ساله تلفيق صرفاً به ذهن فراگيران واگذار مي شود و عناصر درگير در نظام آموزش، از قبيل برنامه درسي، چينش و زنجيره محتوا، پژوهشگر و استاد هيچ نقشي را در اين خصوص بر عهده نمي گيرد (قورچيان، 1378، صص 23-30؛ پيغامی، 1387، ص 17).

* تناسب رويکرد تلفيقي موازي در تدوين برنامه درسي رشته اقتصاد و ماليه اسلامي

به نظر مي رسد رويکرد موازي نيز توانايي تامين مناسب اصول ارزيابي رويکردهاي ميان رشته اي، يعني اصل ايجاد ارتباط (کمي و کيفي) حداکثري بين معارف اسلامي و اقتصادي و همچنين بهره برداري حداکثري از تحقيقات اقتصاد و ماليه اسلامي را نداشته فلذا در شرايط موجود نمي تواند به عنوان رويکرد ميان رشته اي مناسب (کارا) براي طراحي برنامه درسي رشته اقتصاد و ماليه اسلامي به کار رود. دليل اين امر آن است که برنامه درسي موازي، از سه محور اصلي آموزش و فرايند ياددهي- يادگيري، يعني منبع درسي، استاد و دانشجو فقط به يك مورد که همان دانشجو است اکتفا مي کند. به عبارت ديگر، در ارائه دوره هاي موازي نه سرفصل ها تلفيقي هستند و نه استاد الزاما وظيفه اي نسبت به ارائه تلفيقي مباحث بر عهده دارد؛ فلذا تنها فراگير (دانشجو) است که وظيفه دارد تا با فراگرفتن هر دو حوزه معرفتي، تلاش کند تا بين آنها پل بزند و اين بدان معناست که دانشجو وظيفه خطير ايجاد پيوند و توليد علم اقتصاد و ماليه اسلامي را بر عهده مي گيرد. بنابراين رويکرد موازي در اقتصاد و ماليه اسلامي تنها به ارائه دروس اسلامي مرتبط مانند فقه الاقتصاد در کنار سرفصل هاي متعارف رشته اقتصاد اکتفا کرده فلذا نه ارتباط حداکثري ايجاد مي کند و نه از منابع و تحقيقات موجود در حوزه اقتصاد و ماليه اسلامي استفاده اي مي کند.

4-2-3- برنامه ريزي بين رشته اي

رويکرد بين رشته اي¹ که اساسا رويکردي موضوع محور است، به ترکيب و امتزاج بين دانش، محتوا، موضوع و روش در دو يا چند رشته علمي و يا حوزه مطالعاتي اشاره دارد. در اين سازماندهي خاص آموزشي، دانشجويان به یک نظام

1. لازم است به اين نکته توجه شود که در ادبيات ميان رشته اي (خورسندي، 1387)، کلمه **Interdisciplinarity** در دو معنا و در مقابل دو کلمه «ميان رشته اي» و «بين رشته اي» قابل کاربرد مي باشد. معنای اول آن «عام» است و به مفهوم نظريه اي است که در پنج دهه اخير به مثابه گفتماني مسلط بر اهداف، سياست ها، ساختارها، فرايندها، الگوها و شيوه هاي توليد دانش و آموزش دانشگاهي حاکم بوده و از آن به «ميان رشته اي» ياد مي کنند. اين نظريه يا گفتمان در حال تجربه و تکامل است و همان طور که در نمودار شماره يك ملاحظه شد، از رويکردها و گونه هاي مختلفي نيز برخوردار است. يکي از اين گونه ها، رويکرد «بين رشته اي» است که معنای «خاص» مي باشد و منظور از آن گونه اي مشخص از گفتمان ميان رشته اي است که داراي خصلت ها، مزيت ها، ويژگي ها و مصاديق ساختاري خاص است. بنابراين مشخص مي شود که رابطه ميان رشته اي و بين رشته اي به لحاظ منطقي عموم و خصوص مطلق مي باشد و به عبارت اخري بين رشته اي نوعي خاص از رويکردهاي ميان رشته اي مي باشد.

رشته‌ای خاص مفید نمی‌شوند، ولی موضوعات مهم و واحدی را از ابعاد مختلف و در چارچوب‌های تحلیلی و از منظر روش‌شناسی چند علم، مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهند. بطوریکه ابعاد متفاوت یک موضوع از جهات مختلف مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و در یک طرح منسجم ارائه می‌شود. در این رویکرد متخصصین رشته‌ها و حوزه‌های مختلف دانش، هدفمندانه به مرزهای معرفتی و روشی یکدیگر وارد شده و با توجه به ضرورت‌ها و نیازها به گسترش حوزه‌های معرفتی و ایجاد ساختارهای آکادمیک جدید اقدام می‌کنند (وبر¹، 1978، صص 3-13؛ قورچیان، 1387، صص 30-44؛ پیغامی، 1387، ص 14).

لازم به ذکر است در ادبیات میان‌رشته‌ای برای برنامه تلفیقی بین‌رشته‌ای انواع خاصی نیز مطرح می‌شود که پنج مورد از مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از رویکرد بین‌رشته‌ای متوالی²، تسهیمی³، درهم‌تنیده⁴، پیچیده⁵، و یکپارچه⁶. تمامی این رویکردهای بین‌رشته‌ای ضمن حفظ ویژگی‌های اصلی بین رشته‌ای، دارای مشخصه‌های خاصی نیز می‌باشند فلذا انتخاب بین انواع این رویکردها به اهداف برنامه درسی بین‌رشته‌ای و صلاح‌دید برنامه‌ریز درسی ربط پیدا می‌کند.⁷

* نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های مهم رویکرد بین‌رشته‌ای آن است که این رویکرد برای تدوین برنامه درسی در مورد موضوعات چندوجهی و پیچیده بسیار موثر است و به لحاظ ارتباط مطالب و مواد آموزشی با یکدیگر و یکپارچگی و انسجام آن‌ها، پیگیری اهداف بهتر انجام می‌شود. در واقع در این رویکرد میان رشته‌ها و موضوعات مختلف، ارتباط شفاف و مشخص برقرار است و دانش، مهارت و روش در رشته‌های مختلف، در یک فرایند متعامل و متقابل رشد می‌کنند. امتیاز دیگر شیوه بین‌رشته‌ای کمک به یاد دادن مفاهیم است. به این معنی که امکان تحلیل مسائل جدید را فراهم می‌کند، به فراگیر دید وسیعی می‌دهد، از نگرستن در یک دایره محدود جلوگیری می‌کند و از جزم‌اندیشی می‌کاهد. همچنین به دلیل ماهیت و ویژگی‌هایی که این رویکرد در فضاها، آکادمیک، بین رشته‌ای عمدتاً به الگوها، ساختارها و رشته‌های جدید دانشگاهی منجر می‌شود (خورسندی، 1387، صص 76-79؛ ملکی، 1381، ص 264؛ پیغامی، 1387، ص 15).

در کنار نقاط قوت، یکی از چالش‌های استفاده از این رویکرد آن است که در پاره‌ای از موارد بین‌رشته‌ای می‌تواند موجب نوعی سطحی‌نگری شود که برای رسالت برنامه‌هایی که در پی تحقیقات نظری عمیق هستند، چندان مناسب نیست. همچنین استفاده همزمان از روش‌های منحصر بفرد یک رشته علمی با روش‌هایی از سایر رشته‌ها، ممکن است موجبات تراحم روش‌شناختی را فراهم آورد. علاوه بر این، در این رویکرد نیز، پیچیدگی در موضوع، هزینه بری،

1. Weber
2. Sequenced
3. Shared
4. Webbed
5. Threaded
6. Integrated

7. لازم به ذکر است، ارائه بحث تفصیلی در رابطه با این رویکرد از توان و اهداف این مختصر خارج است و خواننده به منظور آشنایی با انواع روش‌های به کارگیری رویکرد بین رشته‌ای به منابع مرتبطی که به بسط این رویکرد پرداخته‌اند مراجعه کند (خورسندی، 1387، صص 265-267).

زمان بزي در برنامه ريزي، طراحي و اج راي برنامه ها و دوره هاي آموزشي، يكي از موانع اصلي به حساب مي آيد (وینبرگ و گروسمن¹، 2000، صص 13-17).

* تناسب رویکرد بین رشته‌ای در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

به نظر مي رسد رویکرد بین رشته‌ای ظرفیت خوبی برای تدوین برنامه های درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی داشته باشد. در واقع این رویکرد توانایی تامین دو اصل بیان شده در بخش قبل را دارد. به عبارت دیگر رویکرد بین رشته‌ای هم توانایی ایجاد ارتباط (کمی و کیفی) حداکثری بین سرفصل‌های اقتصاد متعارف و تعالیم اسلامی را دارد و هم اینکه برنامه ریز این رشته می تواند در طراحي سرفصل های دروس، از تحقیقات و پژوهش های انجام شده در این حوزه حداکثر استفاده را بنماید. بنابراین امکان استفاده از رویکرد بین رشته‌ای در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی وجود دارد. در واقع با کاربرد این رویکرد، می توان موضوعات و سرفصل های مختلف رشته اقتصاد را همزمان از دو بعد اسلامی و اقتصادی مطالعه کرد. مثلا موضوعاتی چون دولت و نقش آن در اقتصاد، منابع مالی و مخارج دولت، خصوصیت سازی، رقابت، توسعه و توسعه انسانی، بازار، پول و بانکداری، مالکیت، حداکثر سازی، اهداف مصرف کننده و تولیدکننده، مالیات ها و یارانه‌ها، ارزش زمانی پول، بهره و ربا، کار و مسئله ارزش، حاکمیت و حکمرانی خوب و مباحث فراوان دیگر می توانند همزمان از منظر اقتصاد متعارف و تعالیم اسلامی (شامل دیدگاه های فقهی، کلامی، تفسیری، فلسفی و غیره) مورد بررسی قرار گیرند و در هر يك از این موضوعات نیز تحقیقات متعددی نیز انجام شده است که لازم است در تدوین برنامه درسی مورد استفاده قرار گیرند (اقبال، 1387؛ میسمی، 1388؛ صدیقی، 1384 و 1387؛ مصباحی مقدم و میسمی، 1388).

4-2-4- برنامه ريزي چندرشته‌اي

شیوه آموزش چندرشته‌ای² اینگونه است که در برنامه های درسی، تلفیق یا ترکیب آگاهانه و هدفمندی میان دانش، روش و تجارب رشته‌ای مختلف صورت نمی گیرد، بلکه علوم و دانش های مختلف بدون اینکه با یکدیگر ترکیب و یا تلفیق گردند، تدریس می شوند و دانشجویان در فرایند برخورداری از چنین برنامه های متنوعی به «خودتلفیقی» و «خودترکیبی» دانش، نظریه‌ها، روش ها و تجارب می رسند (خورسندی، 1387، ص 82). در واقع چندرشته‌ای یک رویکرد تلفیقی/غیرتلفیقی میان رشته ها است که در آن هر رشته نقش و موقعیت مستقلی دارد و همواره هویت های معرفتی و روش رشته ای خود را حفظ می کند، ولی فعالیت ها و نتایج کار به م سأل و موضوعی معطوف است که رشته‌های دیگر به آن می پردازند. بنابراین چندرشته‌ای به آموزش‌هایی اطلاق می شود که در آن ها علوم متعددی تدریس می شوند، بدون این که این علوم با یکدیگر ترکیب شوند (آگسبرگ³، 2005، ص 14؛ کلاین⁴، 1996، ص 17؛ برازو⁵، 1387، ص 22؛ قورچیان، 1374، صص 45؛ رولاند⁶، 1387، ص 25).

1. Wineburg and Grossman
2. Multidisciplinary
3. Augsburg
4. Klein
5. Brazo
6. Ronald

* نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های این رویکرد نیز سادگی در مقام طراحی برنامه درسی است. در واقع طراحی به شیوه چندرشته‌ای، نسبت به شیوه بین‌رشته‌ای تلاش کمتری می‌برد و به طور کلی، مواد برنامه درسی آسانتر در کنار هم قرار می‌گیرند. علاوه بر این در این رویکرد همه شرایط و ابعاد یک موضوع بررسی می‌شود. در واقع یک پدیده یا مفهوم بطور جامع و در کلیت خود بررسی می‌شود و به جهت بررسی مساله از زوایای مختلف، تطابق و ارتباط لازم را با مسائل واقعی زندگی داراست (پیغامی، 1387، ص 16). از طرف دیگر بهترین نقطه ضعف این رویکرد آن است که گرچه در فعالیت‌های چندرشته‌ای، دانش، اطلاعات، نظریه‌ها، مهارت‌ها، مفاهیم و روش‌های چندین رشته از قلمروهای مختلف دخالت دارند، اما هر رشته، ماهیت، هویت و استقلال خود را حفظ می‌کند و دانش، روش و محتوای موضوعات و رشته‌ها به طور مستقل از سایر رشته‌ها بررسی می‌شود (خورسندی، 1387، صص 85-86).

* مناسبت رویکرد چندرشته‌ای در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

گرچه این ره یافت ظرفیت خوبی برای مطالعه همه جانبه یک موضوع چند بعدی را دارد، اما به هر حال به نظر می‌رسد در شرایط موجود رویکرد چندرشته‌ای برای تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندان مناسب نیست. دلیل این امر آن است که طبق تعریف، برنامه درسی چندرشته‌ای، برنامه‌ای است که در آن علوم متعددی حول یک موضوع تدریس می‌شوند، بدون این که این علوم با یکدیگر ترکیب شوند. بنابراین در این رویکرد مسئله برنامه‌ریزی درسی، ایجاد ترکیب بین حوزه‌های معرفتی نبوده و تلاشش آن است که در برنامه درسی ابعاد و دیدگاه‌های گوناگون در رابطه با موضوع مطرح شوند. اما همان طور که در بخش قبل مقاله عنوان شد، رویکرد بینه در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی، باید از اصل ایجاد ارتباط کمی و کیفی حداکثری بین تعالیم اسلامی و اقتصادی متابعت نماید و علاوه بر این از ادبیات موجود نیز بهره کافی ببرد. بنابراین رویکرد چندرشته‌ای گرچه مزیت‌هایی ایجاد می‌کند، اما در حال حاضر برای تدوین برنامه درسی در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی مناسبت زیادی ندارد.

4-2-5- برنامه‌ریزی تلفیقی متقاطع (تقاطع رشته‌ای)

برنامه‌ریزی متقاطع¹ که از آن به گذار از رشته‌ها نیز یاد شده است، رویکردی است که در آن یک رشته (به عنوان رشته اصلی و محوری) از دیدگاه تحلیلی، روش‌شناختی و در قالب الفاظ رشته‌ای دیگر (به عنوان رشته ابزاری و کمکی) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در واقع هدف این رویکرد دستیابی به نگاهی بیرونی به یک رشته، مبادی و اصول حاکم بر آن و تحلیل رفتار جمعی عالمان آن می‌باشد. به عنوان نمونه سیاست ادبیات² یکی از رشته‌هایی است که در اثر کاربرد رویکرد متقاطع در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی عی به وجود می‌آید. در این رشته، «ادبیات» (علوم انسانی) به لحاظ روش‌شناسی و از منظر و زاویه دید «سیاست» (علوم اجتماعی) مورد مطالعه و تحقیق واقع می‌شود. در این حوزه، کنشگران و محققان علوم سیاسی مضامین، مفاهیم و دانش‌های منظوم و منثور (یک دوره مشخص)

1. Cross-Disciplinary
2. Politics of literature

ادبیات را با جهت گیری‌ها، روش‌ها و تحلیل‌های سیاسی مورد مطالعه و کنکاش علمی قرار می‌دهند (دورمن¹، 2005، ص 17؛ پیغامی، 1387، ص 15؛ دراکوپولس²، 1994، ص 23؛ خورسندی، 1387، ص 72).

لازم به ذکر است در رویکرد متقاطع ضرورتی ندارد که کنشگران فرآیند یاددهی-یادگیری، در هر دو و یا چند رشته مورد مطالعه متخصص باشند. در واقع در این رویکرد مبانی، مباحث، موضوعات و محتوای هر رشته توسط مدرس و مدرسانی که از زاویه دید و چشم اندازهای روشی رشته و حوزه تخصصی خود به آن می‌نگرند آموزش داده می‌شود (دیویس³، 2007، ص 13).

* نقاط قوت و ضعف

علاوه بر ساده بودن در اجرا، یکی از مزیت‌ها و ویژگی‌های خاص رویکرد تلفیقی متقاطع نسبت به سایر گونه‌ها و رویکردهای میان‌رشته‌ای، وجود ظرفیت «خودتلفیقی» است. در این رویکرد، بدون این‌که طرح و برنامه درسی تلفیقی ترسیم گردد، دوره و یا برنامه مورد نظر به طور تلفیقی اجرا می‌شود. به عنوان مثال، هنگامی که «گروه آموزشی هنر» در یک دانشگاه، دوره‌ای را ارائه می‌دهد که در آن «تاریخ هنر» توسط یک تاریخدان ارائه می‌شود و یا درس مبانی نظری فیزیک موسیقی را استاد فیزیک تدریس می‌کند، به طور ناخودآگاه نوعی «خودتلفیقی» شکل گرفته است (خورسندی، 1387، ص 74). در مقابل به نظر می‌رسد مهمترین نقطه ضعف این رویکرد در عدم ایجاد تلفیق و ارتباط موثق در سرفصل‌ها است. به عبارت دیگر در این رویکرد یک رشته به عنوان محور اصلی مطرح شده و دیدگاه برنامه‌ریز درسی به رشته دیگر کاملاً ابزاری است.

* مناسبت رویکرد متقاطع در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

به نظر می‌رسد رویکرد متقاطع نیز گرچه مزیت‌هایی دارد و از رویکردهایی چون درون رشته‌ای و موازی قوی تر است، اما به هر حال برای تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندان مناسب نیست. دلیل این امر آن است که در این رویکرد طبق تعریف یک رشته مبنا قرار می‌گیرد و رشته دیگر به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود. کاریست این رویکرد در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در شرایط موجود به آن معنا خواهد بود که تعالیم اقتصاد متعارف (با توجه به سابقه و قوتی که دارد) به عنوان محور و مبنا مطرح گردیده و دیدگاه و الفاظ اسلامی در رابطه با آن‌ها به صورت ابزاری مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت اخیری مباحث اقتصاد متعارف در غالب‌ها و چارچوب‌هایی اسلامی مطرح شود. مثلاً مفهوم «ناکارایی»⁴ در اقتصاد معادل مفهوم اسلامی «اسراف و تبذیر» و مفهوم «مالیات»⁵ معادل مفاهیمی چون «زکات و خمس» تعریف شود.

به نظر می‌رسد رویکرد متقاطع از دو اصل مطرح شده در قسمت قبل، توانایی تامین اصل دوم، یعنی اصل بهره‌برداري حداکثري را تا حدودي داشته باشد. دلیل این امر نیز آن است که بخشی از تحقیقات موجود در ادبیات اقتصاد و مالیه اسلامی به سمت ابزاری نگری به تعالیم اسلامی در حوزه اقتصاد پیش رفته اند و سعی کرده اند مباحث

1. Dorman
2. Drakopoulos
3. Davies
4. Inefficiency
5. Tax

اقتصادی متعارف را بر دیدگاه های اسلامی تطبیق دهند . اما به هر حال این رویکرد توانایی تامین اصل ارتباط حداکثری را ندارد. به این معنا که در این رویکرد ارتباط عمیق و مناسب بین تعالیم اسلامی و متعارف در حوزه اقتصاد برقرار نگردیده و در بعضی موارد ممکن است به سطحی نگری و توجیه گرایی مباحث متعارف اقتصاد بیانجامد.

4-2-6- برنامه ریزی تلفیقی چندرشته ای متکثر

تکثررشته ای¹، عبارت است از گفت وگو، تعامل و همکاری میان نظریه ها، تخصص ها، ابزارها، شیوه ها و تجارب متعدد از حوزه های مختلف علمی به منظور بررسی، شناسایی و حل موضوع و مسأله ای مبتلابه که اجتماع وسیعی را در بر می گیرد. فعالیت های تکثر رشته ای عمدتاً تحقیقاتی و مطالعاتی هستند و روی مسائل یا موضوعاتی متمرکزند که جنبه «اجتماعی» دارند. مثلاً «مرض چاقی»² که امروزه یکی از معضلات اجتماعی، روحی و جسمانی شهر وندان در کشورهای صنعتی به شمار می رود، از موضوعات تکثر رشته ای است که مستلزم مطالعه و تحقیق علمی از سوی رشته ها و حوزه های مختلف علمی و پژوهشی نظیر علوم ورزشی، علوم بهداشتی، علوم پزشکی، تغذیه، علوم رفتاری، زیست شناسی مولکولی، روان شناسی اجتماعی، علوم فناوری، اقتصاد و ... است. علاوه بر آن، مسائل و معضلات اجتماعی دیگری، نظیر «ایدز»، «بحران آب در آفریقا»، «افزایش گرمای جهانی»، «مسأله اعتیاد» و «آمایش سرزمین»³ از جمله موضوعات و مسائل اجتماعی هستند که مستلزم اتخاذ سیاست های تکثررشته ای بوی تحقیق، تحلیل و مبارزه هستند (ابویلا⁴، 2007، صص 11-14؛ دیویس، 2007، ص 16).

تکثر رشته ای علاوه بر تبیین و تحلیل مسائل اجتماعی، در فعالیت های آموزشی نیز کاربرد دارد. چرین فعالیت هایی معمولاً با این پرسش آغاز می شود که آیا می توان در طول یک دوره آموزشی بدون این که تلفیقی در برنامه درسی طراحی گردد، اساتید و دانشجویان پیرامون مسائل اجتماعی با یکدیگر گفت و گو و همکاری مستمر داشته باشند و بتوانند روی مسأله یا موضوع مورد نظر ک ار کنند. در واقع در برنامه های آموزشی متکثر، گر چه تلفیق در برنامه درسی انجام نمی شود، اما انجام آن به مخاطب، دانشجو و کنشگر میان رشته ای واگذار می گردد، تا نتیجه گیری های خاص خود را صورت دهد و به تلفیق شخصی برسد (کالانان، 1387، ص 22؛ خورسندی، 1387، ص 86).

* نقاط قوت و ضعف

مهمترین ویژگی برنامه درسی میان رشته ای متکثر در آن است که به موضوعات مهم اجتماعی پرداخته و کنشگران فرآیند یاددهی-یادگیری را با آن ها درگیر می سازد. ولی مهمترین ضعف آن نیز در آن است که در این رویکرد برنامه درسی به صورت تلفیقی ارائه نمی شود؛ به عبارت دیگر رویکرد مذکور رویکردی فرابرنامه ای است و مسئله تلفیق را در بیرون برنامه درسی جستجو می کند.

* مناسبت رویکرد چندرشته ای متکثر در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

1. Pluridisciplinary
2. Obesity
3. Land Use
4. Aboelela

همان طور که عنوان شد رویکرد متکثر رویکرد فرابرنامه ای بوده و بر تلفیق بین حوزه‌های مختلف در اثر گفتگو و همفکری کنشگران تاکید می‌کند. بنابراین این رویکرد نیز به منظور تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در حال حاضر و تامین دو اصل مذکور در بخش قبل چندان مناسب نمی‌باشد. البته مسلماً در آینده و پس از آنکه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندین دوره ارائه گردید و مورد ارزیابی و اصلاحات قرار گرفت می‌توان از این رویکرد و نقاط قوتی که دارد نیز استفاده‌هایی نمود.

4-2-7- برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای

فرارشته‌گی¹ عبارت است از همگرایی چشم‌اندازها و نظرگاه‌های علمی، فلسفی و معرفتی بین رشته‌های دانش، به منظور دستیابی به شناختی جامع از «حقیقت»، «طبیعت» و «معرفت». فرارشته‌گی نه تنها مرزها و اقلیم‌های دانش و روش‌های رشته‌ها و تخصص‌های دانشگاهی و آکادمیک را می‌پیماید، بلکه از آن فراتر رفته و دانش‌ها، تجارب و روش‌های آن‌سوی مرزهای رشته‌ها و تخصص‌های مرسوم آکادمیک را جستجو می‌کند (نگر²، 2004؛ ماکس نیف³، 2005؛ دیویدسون⁴، 2004).

فرارشته‌گی در «دو» بعد متحلی می‌گردد؛ بعد اول، «معرفت‌شناختی» است. از این منظر، فلسفه و هدف فرارشته‌گی، تبیین و فهم هستی و معرفت بوده و محصول فرارشته‌گی، دستیابی به دانش‌های بنیادین، نظریه‌های جهان‌شمول و معرفت‌های وحدت بخش است. بعد «دوم» فرارشته‌گی، «انتقادی» است. از مهم‌ترین جریان‌های فرارشته‌ای انتقادی در نیمه دوم قرن گذشته، می‌توان به مطالعات «پسااستعماری»⁵ اشاره کرد. به طور کلی، مباحثی که دارای ابعاد روشنفکرانه اجتماعی - انتقادی هستند و نسبت به مولفه‌هایی نظیر قدرت و فرهنگ‌نگارهای انتقادی، ساختاری و کارکردی دارند، در فضای فرارشته‌گی «انتقادی» بررسی و تحلیل می‌شوند. مثلاً «پسااستعمارگرایی»، «مارکسیسم» و «فمینیسم» از حوزه‌های فرارشته‌ای هستند (خورسندی، 1387، ص 92).

از آن‌جایی که خلق دانش، بینش و تجارب نو از هدف‌های اصلی فرارشته‌گی است، یکی از ویژگی‌های اصلی آموزش و یادگیری در ساختار این رویکرد استقبال از آشکارسازی، ارجح‌گذاری و تبیین «تفکرات جدید»، «تحولات غریب»، «تصورات بیگانه»، «پرسش‌های غیر متعارف» و «فرضیه‌های ظاهراً محال و غیر قابل اثبات» است (خورسندی، 1387، ص 267؛ ملکی، 1381، ص 258). همچنین لازم به ذکر است این رویکرد دارای انواعی نیز می‌باشد. به عنوان نمونه برخی از تحقیقات آن را به دو نوع خودجوش و شبکه‌ای و برخی دیگر به افقی، قائم و مورب، تقسیم کرده‌اند (خورسندی، 1387، ص 269؛ پیغام‌ی، 1387، ص 5).

* نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های اصلی رویکرد فرارشته‌ای انطباق بیشتر آن با واقعیت‌ها و پیچیده‌گی‌های حاکم بر زندگی بشری است. به عبارت دیگر فرارشته‌گی، منطق جمعی زندگی همه ماست. بنابراین در این رویکرد دیدگاهی جامع و

1. Transdisciplinary
2. Negre
3. Max-Neef
4. Davidson
5. Postcolonialism

کل نگر¹ ایجاد شده و محقق به فراتر از برنامه‌های متعارف در رشته‌های درسی هدایت می‌شود (نیکولسکو²، 1996، ص 11). علاوه بر این، رویکرد فرارشته‌ای تمرکز اصلی خود را بر تقویت مهارت‌های عملی در فراگیران قرار می‌دهد. به عنوان نمونه مواردی چون قدرت تخیل، تجزیه و تحلیل، مهارت ترکیب، تفکر انتقادی و پرورش روحیه آزادی و استقلال فردی دانشجویان از اهداف اصلی دوره‌های آموزشی فرارشته‌ای هستند؛ فلذا در آموزش فرارشته‌ای، مولفه‌هایی چون شهود³، تخیل⁴ و حساسیت هیجانی⁵ در انتقال و خلق دانش جدید مورد تأکید و بازاریابی⁶ قرار می‌گیرند (کلاین، کلاین، 2002، ص 23). به هر حال یکی از انتقاداتی که بر فرارشتگی وارد می‌شود، آن است که چون در فعالیت‌های فرارشته‌ای، رقابت‌های مرزی و تعامل میان رشته‌ها جایگاهی ندارد و تلاش بر سر ارائه دیدگاه‌هایی کلی در جهت دستیابی به مفاهیم میان معرفت‌ها و روش‌هاست، نتایج و یافته‌های فرارشته‌ای عمدتاً انتزاعی، آرمانی، و ذهنی بوده و فاقد راهکارهای عملی مشخص می‌باشند (مارجینسون⁷، 2007، ص 23).

* مناسبت رویکرد فرارشته‌ای در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

این رویکرد رویکردی فرابرنامه‌ای است و به اقدامات تکمیلی که در جهت تقویت و ایجاد اثر بخشی عملی در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد نیاز است، می‌پردازد. بنابراین این رویکرد نیز توانایی تأمین اصول مطرح شده در بخش دو را ندارد. چرا که هدف برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در شرایط موجود و با توجه به جدید بودن حوزه مورد بحث، اصلاح سرفصل‌های رشته اقتصاد به نحوی است که مسائل اسلامی در آن مطرح شود و علاوه بر این از ادبیات موجود در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی نیز استفاده مناسبی گردد. البته این حرف هرگز بدان معنا نیست که رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از رویکرد فرارشته‌ای که با قرار دادن یادگیرنده و مهارت‌های گوناگون وی به عنوان کانون توجه، در جهت تقویت مهارت‌های شناختی، گرایشی، و رفتاری حرکت می‌کند، بی‌نیاز است؛ بلکه منظور آن است که در شرایط موجود، موضوع تدوین محتوا بر سایر مباحث مقدم بوده و پس از آنکه محتوای مناسب تدوین گردید و نوبت به اجرای برنامه رسید، می‌توان و باید از اقدامات تکمیلی در جهت تأمین نیازهای معرفتی و مهارتی دانش‌آموختگان به عنوان سرمایه‌های انسانی عرصه تولید علم اقتصاد اسلامی، بهره برد.

4-2-8- سپارشتگی

«سپارشتگی»⁸، که در مباحث و متون مربوط به میان‌رشتگی، به ضد رشته‌ای⁹، پادارشتگی¹⁰ و انعکاسی¹¹ نیز نیز شناخته می‌شود، بحث از تقسیم‌بندی و مقوله‌بندی معرفتی و روشی دانش‌ها را امری مردود و ناروا می‌داند و بر این

1. Holistic
2. Nicolescu
3. Intuition
4. Imagination
5. Emotional Sensibility
6. Revalue
7. Marginson
8. Post- disciplinarity
9. Adisciplinarity
10. Anti- Disciplinarity
11. Reflexive

مفروضه استوار است که تقسیم بندی علم و دانش به «رشته‌گی» و حتی «میان‌رشته‌گی» و «فرارشته‌گی» یک تقسیم‌بندی ایدئولوژیک است. بر اساس این دیدگاه، طرفداران پسارشته‌گی نتیجه می‌گیرند که متابعت از هر نوع نظریه‌ای و یا خلق هر گونه الگوی رفتاری که بر مبنای ساختارهای سازمان یافته دانش (رشته‌ها) و یا گونه‌های میان‌رشته‌گی استوار باشد، ناروا و غیر قابل دفاع است. پسارشته‌گی خواستار برچیده شدن ساختارها و بافتارهای رشته‌ای و میان رشته‌ای است و رشته‌ها و گونه‌های میان‌رشته‌ای را از اساس ناکارا و ناصواب می‌داند. لازم به ذکر است از منظر معرفت‌شناسی، پسارشته‌گی از نظرگاه‌های رادیکال پسامدرنیستی متأثر است. به هر حال طرفداران پسارشته‌گی، به‌رغم انتقادات و ادعاهای جذابی که مطرح می‌کنند، فاقد بینش‌ها و جهت‌گیری‌های آگاهانه، واقع‌بینانه و علمی برای شناخت، فهم و حل موضوعات و مسائل اجتماعات امروزی هستند (خورسندی، 1387، ص 98).¹

5- نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

این مقاله الگوها و انواع مختلف برن‌امه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داد و همچنین میزان تناسب آن‌ها در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به عنوان یک رشته جدید در نظام آموزش دانشگاهی ایران تبیین نمود. در واقع ضمن تبیین رویکردهای میان‌رشته‌ای به این سوالات پاسخ داد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدام یک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند، توانایی هر رویکرد چه میزان است و شاخص و معیار لازم برای تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد متناسب برای دوره اقتصاد و مالیه اسلامی رویکردی محتوا محور می‌باشد. از میان گونه‌های محتوا محور نیز رویکردهای درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای موازی در شرایط موجود متناسب نبوده و توانایی تامین اصول مطرح شده را ندارد. اما رویکردهای چندرشته‌ای، متقاطع، متکثر و همچنین رویکردهای فرارشته‌ای و پسارشته‌گی گرچه از دو رویکرد درون‌رشته‌ای و موازی مناسب‌تر می‌باشند، اما در شرایط موجود استفاده از آن‌ها با توجه به نقاط ضعفی که دارند پیشنهاد نمی‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد ظرفیت و کارایی رویکرد بین‌رشته‌ای از بقیه رویکردها بیشتر بوده و برنامه‌ریزی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند از آن در تدوین برنامه درسی دوره بهره برد. در واقع ظرفیت رویکرد مذکور در تامین اصول مطرح شده بیش از سایر رویکردها می‌باشد. به هر حال در عمل می‌توان از رویکرد بین‌رشته‌ای به عنوان رویکرد اصیل و مبنایی بهره برد و در کنار آن از نقاط قوت موجود در سایر رویکردها به منظور تقویت برنامه درسی استفاده کرد.

توصیه سیاستی این مقاله به نهادهای مسئول در امر اصلاح نظام آموزش علوم انسانی، به عنوان نمونه شورایی عالی انقلاب فرهنگی، آن است که رویکردهای میان‌رشته‌ای مبنای پایه‌ای علمی برای اصلاح نظام آموزش علوم انسانی از دیدگاه اسلامی فراهم می‌کنند فلذا لازم است ادبیات میان‌رشته‌ای در فضای علمی کشور تقویت شود. البته در این زمینه اولویت با رویکردهایی است که قوت و کارایی بیشتری در این زمینه دارند (مثلا رویکرد بین‌رشته‌ای). اما توصیه

1. لازم به ذکر است به دلیل عدم تناسب این رویکرد در بحث ما، از بررسی نقاط قوت و ضعف و همچنین تبیین مناسب در رشته اقتصاد اسلامی خوررداری شده است.

این مقاله به موسساتی که از برنامه های موازی استفاده می کنند، مثلا دانشگاه امام صادق (ع)، آن است که بر اساس یافته های این تحقیق رویکرد مذکور در شرایط موجود رویکرد مناسبی برای ارائه دوره های اقتصاد اسلامی نبوده فلذا لازم است این موسسات از رویکرد موازی به رویکردهای تلفیقی قوی تر منتقل شوند.

تحقیقات آینده در این حوزه می توانند بر روی کاربست رویکرد بین رشته ای در دروس مختلف رشته اقتصاد متمرکز شوند. به عبارت دیگر می توانند به این سوال مهم پاسخ دهند که اتخاذ رویکرد مذکور در دروس مختلف رشته اقتصاد، منجر به ورود و یا حذف کدامیک از سر فصل ها می گردد؟ و یا اینکه دیدگاه های جدیدی که با اتخاذ رویکرد بین رشته ای (رویکرد بهمینه) در رابطه با موضوعات مختلف مطرح می شوند کدام است؟ همچنین می توان ادبیات موجود اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار داد و تبیین کرد که چه بخشی از آن در قالب رویکرد بین رشته ای قرار می گیرد و چه بخشی از آن در قالب رویکردهای دیگر. علاوه بر این، می توان تجربه استفاده از انواع مختلف رویکردهای میان رشته ای را در داخل و خارج از کشور بررسی، تحلیل و مقایسه نمود. مثلا تجربه دانشگاه امام صادق (ع) که به طور کامل از رویکرد میان رشته ای موازی بهره می برد.

منابع

الف- منابع فارسی

- اقبال، منور، 1387، «چالش های پیش روی بانکدای اسلامی»، ترجمه حسین میسمی، مسلم بمانپور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- برازو، ژاک، 1387، «مطالعات زنان یک حوزه پژوهشی رشته ای است یا میان رشته ای؟»، ترجمه: ناصح قلی پور، از مجموعه مقالات چالش ها و چشم اندازهای مطالعات میان رشته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پوزیدان پرست، محمد هاشم، 1383، «لزوم تحول در آموزه های علم اقتصاد»، مجموعه مقاله های دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- پیغامی، عادل، 1387، «رهیافت های تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش 32.
- درخشان، مسعود، 1381، «بچون تفکر اقتصادی در ایران»، مجموعه مقاله های اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- خورسندی، علی، 1387، «گفتمان میان رشته ای دانش»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دادگر، یدالله، 1384، «اصلاح ابعادی از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی»، مجموعه مقالات چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دو، 1377، «طراحی برنامه ها و مواد آموزشی به شیوه تلفیقی و میان رشته ای»، ترجمه مرتضی خلخال، فصلنامه پژوهش و برنامهریزی در آموزش عالی، سال 2، شماره 2.
- رولاند، اس، 1387، «میان رشتگی»، ترجمه مجید کرمی، در مجموعه مقالات مبانی نظری و روش شناسی مطالعات میان رشته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صدر، کاظم، 1382، «عملکرد آموزش اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد در دانشگاهها»، مجموعه مقاله های اولین نشست تخصصی مدرسان درس های اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیقی، محمد نجات الله، 1384، «آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی»، محمد رضا شاهرودی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

صدیقی، محمد نجات الله، 1387، «ریا، بجر بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام»، ترجمه حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

عسگری، محمد مهدی و میسمی، حسین، 1388، «آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی: مقدمه‌ای نحوه توسعه نظام آموزشی اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها»، نشریه علمی-ترویجی راهبرد یاس، ش 17.

عیوضلو، حسین و میسمی، حسین، 1387، «ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش 31.

قورچیان نادرقلی، 1374، «شقوق مختلف جهت طراحی برنامه درسی»، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی.

کالانان، لارا، 1387، «معنای مهارت در کلاس میان رشته ای»، ترجمه: سید محسن علوی پور، از مجموعه مقالات مباحث نظری و روش شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کریمی، زهرا، 1383، «ارزش کاربردی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد اقتصاد»، مجموعه مقاله‌های دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

مصباحی مقدم، غلامرضا و میسمی، حسین، 1388، «امکان سنجی توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌های کشور: راهکاری در جهت تولید علم در اقتصاد»، نشریه علمی-ترویجی مدیریت در دانشگاه اسلامی، ش 1.

ملکی، حسن، 1381، «برنامه ریزی درسی: راهنمای عمل»، تهران: نشر پیام اندیشه، چاپ چهارم.

میسمی، حسین، 1388، «فقر، نابرابری و مولفه‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام ی»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

میسمی، حسین و عیوضلو، حسین، 1388، «بررسی ضرورت و نحوه به کارگیری رویکرد تلفیقی در اصلاح نظام آموزش علوم انسانی؛ با تأکید بر اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، ش 61.

هاشپیان، فریده، 1382، «طراحی برنامه درسی با رویکرد تلفیقی»، در مجموعه مقالات رویکرد تلفیقی به برنامه درسی، حسن ملکی، تهران: انتشارات اولیاء و مربیان.

ب- منابع انگلیسی

- Abbott, D. (2006), "Development and presentation of the interdisciplinary course", Chicago, American Society for Engineering Education.
- Aboeleaa, S,W, Larson, E, Baken , S, Carrasquilo , O, Formicola, A, Glider s.a et.al. (2007), "Defining interdisciplinary Research: Conclusion from a Critical review of the literature", Health research & educational trust.
- Augsburg, T. (2005), "Becoming Interdisciplinary: An Introduction to Interdisciplinary studies", Kendall, Hunt Publishing company.
- Ault, David, Gilbert Rutman, (1978), "The Role of Economics in Interdisciplinary and Problem-Oriented Programs", *The Journal of Economic Education*, Vol. 9, No. 2 pp. 96-101.
- Carayol ,Nicolas. Thi , Thuc. (2004), "Why do academic scientists engage in interdisciplinary research?", Department of Economics, University Louis Pasteur, Strasbourg.
- Davidson, M.(2004), "Bones of Contention : Using Self and Story in the Quest to Professional Higher Educatuin", *An Interdisciplinary Approach*. Teaching in Higher Education, 9 (3), 299-310.
- Davies, M. (2007), "Interdisciplinary in higher education; Implications for teaching and learning", Australia: The university of Melbourne.
- Dorman, Peter, (2005), "Doctrine-centered versus problem-centered economics", from *the European Association for Evolutionary Political Economy's Newsletter*.
- Drakopoulos, Stavros, (1994), "Economic Method and the Scientific Philosophy of Contemporary Physics", *Journal of Interdisciplinary Economics*, Vol.5, No 1.
- Feiner S. and B. Roberts, (1995), "Using an Alternative Paradigm to Teach Race, Gender and Critical Thinking", *The American Economic Review*,
- Feiner S. and R. Bartlett, (1992), "Balancing the Economics Curriculum: Method, Content and Pedagogy", *The American Economic Review*, issue no. 12.

- Feiner, Susan, (2002), "Toward a Post-Autistic Economics Education", *post-autistic economics review*, issue no. 12, March 15, article 2.
- Fogarty, R. (1991), *"The mindful school: how to integrate the curricula"*, Palatine: Skylight Publication.
- Gibbons, M., et al., (1994), *"The New Production of Knowledge"*, Sage, London.
- Haynes, C. (2002), *"innovation in interdisciplinary teachings"*, Westport: Greenwood Press.
- Haythornthwaite, Caroline. (2006), "Learning and knowledge networks in interdisciplinary collaborations", *Journal of the American society for information science and technology*, 57(8)1079-1092.
- Huy. Q., and Mintzberg, H., (2003), "The Rhythm of Change", *Sloan Management Review*, 44 (4):79-84.
- Klein, J.T., (1996), *"Interdisciplinary Needs: The Current Context"*, *Library Trends*, 45: 134-154.
- Klein, J.T., (2002), *"Interdisciplinary Education in K-12 and college"*, New York, The College Board.
- Kockelmans, Joseph J, (1998), *"Why Interdisciplinarity?"*, William H. Newell, ed. *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*. New York: College Entrance Examinations Board, 67-96.
- Max-Neef, M.A (2005), *"Commentary: Foundations of Transdisciplinarity"*. *Ecological Economics*, 53, 5-16.
- Mc Neill, Desmond. (1999), "On interdisciplinary research: with particular reference to the field of environment and development", *Higher Education Quarterly*, Vo53, No4, Pp 312-332.
- Morillo, Fernanda. Bordons, Maria. Gomez, Isabel. (2003), "Interdisciplinarity in science: a tentative typology of disciplines and research areas", *Journal of the American society for information science and technology*, 54(13)1237-1249.
- Nazim, Ali, (2004), *"A Roadmap for Making Islamic Finance Sources More Accessible: The Role of Secondary Services in the Dissemination of Research"*, Harvard University Press, U.S.A.
- Negre, A. (2004), *"A transdisciplinary approach to science and astrology"*, Accessed at [http:// cura.free.fr/quinq/01negre2.html](http://cura.free.fr/quinq/01negre2.html).
- Nicolescu, B. (1996), *"Transdisciplinarity"*, USA, Lexington, Watersign Press.
- Palmer, Carole. (1999), "Structures and Strategies of interdisciplinary science", *Journal of the American society for information science and technology*, 50(3)242-253.
- Qin, Jian. F.W.Lanaster. Allen, Bryce (1997), *"Types and levels of collaboration in interdisciplinary research in the science"*, School of library and information science, University of Southern Mississippi.
- Raveaud, Gilles, (2001), "Teaching Economics Through Controversies", *post-autistic economics newsletter* : issue no. 5, March, article 6.
- Smith, Alvin H. F. (2001), "Interdisciplinary Curriculum as Complementary Practice: A Philosophical Perspective." *Campbell Monograph Series on Education and Human Sciences* 2.. p.33-42.
- Weber, Pauline. (1978), "Economics in Interdisciplinary Courses", *The Journal of Economic Education*, Vol. 10, No. 1, pp. 55-56
- Wineburg, Sam, Pam Grossman, eds. (2000), *"Interdisciplinary Curriculum: Challenges to Implementation"*. New York: Teachers College Press.
11. J., (1997), *"Disciplinarity and Interdisciplinarity in Research"*, Euro Pean Ziman, Commission, Cambridge, 24-26.
- Marginson, S. (2007), *"Personal communication in Australia"*, *the University of Melbourne*: center for the Study of Higher Education.